

آورده بود. در این شب، ایشان نامه‌ی یکی از «عزیزان» بیننده‌ی شیرازی را برای دیگر «عزیزان» بیننده قرائت می‌کرد. خلاصه‌ی نامه این بود، که این عزیز بیننده به‌این برنامه نوشته بود که، چند روز پیش یکی از اقوام‌شان دچار ناراحتی شده بودند. هنگامی که این خویشاوند را به بیمارستان برده بودند، همه از دکتر و پرستار ووو رفته بودند توی اتاق تله‌ویزیون و داشتند چه کار می‌کردند؟ نه! فکرهای بد بد نکنید. آن‌ها داشتند، برنامه‌ی جنگ هفته را می‌دیدند. ایشان، از این «عزیزان» دست‌اندر کار برنامه‌ی جنگ هفته خواهش کرده بود، که یک کمی برنامه‌شان را بی‌نمک‌تر کنند، تا بلکه «عزیزان» دست‌اندر کار بهداشت شیرازی، به «عزیزان» مریض برسند. مجری برنامه هم، با همان لب‌خند خنک قطبی‌اش می‌گفت که به‌جان عزیزتان نمی‌شود که نمی‌شود. ما با نمکیم و با نمک هم باقی خواهیم ماند. کاری هم از دستمان بر نمی‌آید.

البته، در این‌جا صحبت از برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی نیست، بلکه می‌خواهم بگویم که در این شب، این مجری سراپا ظرافت و بلاغت می‌گفت که اشکال تهران مهاجرین هستند. البته، اگر به‌نسل قبلی این «عزیز» مجری مراجعه کنید، حتماً یک سفلی یا علیایی در آن پیدا خواهید کرد. حال، می‌پرسید که این حرف‌ها چه ربطی به‌تهران دارد؟ خیلی هم دارد. چون، «عزیزان» مسؤل در شهرداری هم از همین قماش هستند. می‌گویید نه؟ پس بخوانید:

تهران، تا کنون شهردار و معاون شهردار زیاد داشته است. فساد هم، بیش و کم در شهرداری بوده است. ولی، این شهرداران اگر خدمتی به‌تهران نکردند، لاقلاً آن را خراب نکردند. کاری که، اکنون مسؤلین شهرداری می‌کنند این است که خاک تهران را دارند به‌توبه می‌کشند.

مسؤلین شهرداری تهران، از کدام سفلی و علیایی آمده‌اند که سرنوشت تهران را داده‌اند به‌دست یک مشت بساز و بفروش و خودشان هم برای خالی نبودن عریضه معماری تاریخی تهران را دست‌کاری می‌کنند. چه کسی به‌ایشان اجازه داده است که معماری ایستگاه ماشین دودی را به‌هم بزنند؟ چه کسی به‌ایشان اجازه داده است که معماری محله‌ی جنوب بازار را به‌این روزگار ببندازند؟ این حضرات، مگر چه کاره‌اند که سرنوشت یک شهر چهارده میلیونی را داده‌اید به‌دستشان و آن‌ها هر کاری که مایل هستند در این شهر انجام می‌دهند؟ چه کسی به‌آن‌ها اجازه داده است که کاشی تاریخی گذر لوطی صالح را جا به‌جا کنند؟ تهران، دارای یک پیشینه‌ی تاریخی کوتاه است. مردمان اصیل این شهر، برای خودشان دارای فرهنگ، ادب، رسوم و اسطوره‌ای هستند، که نه تنها باید حفظ شود، بلکه باید شناسانده شود. در صورتی که، همه‌ی این‌ها را شهرداری داده است به‌دست یک مشت بساز و بفروش. البته، بالای شهر نشینان، همگی دارند از اقدامات شهرداری پشتیبانی می‌کنند. حق هم دارند. زیرا که، آن‌ها همگی یا دلال‌اند، و یا بساز و بفروش. آن‌ها را چه به‌فرهنگ شهری؟ آن‌ها چه به‌تاریخ تمدن؟ آن‌ها، اگر فرهنگ داشتند، حتی اگر شهرداری به‌آن‌ها می‌گفت بروید در باغات شمیران ساختمان سازی کنید، نمی‌باید می‌کردند. شما، اجازه می‌دهید باغات تهران تخریب شود. شما، اجازه می‌دهید چنارهای ده‌ها ساله را از بن بکنند و به‌جای آن، چند تا رُز فکسنی می‌کارید و اسمش را می‌گذارید پارک سازی؟ آقای مجری می‌گفت، مسبب بدبختی ما تهرانی‌ها مهاجرین هستند. آقایانی که برای